



۱۳ جون ۲۰۱۵

محمد داود مومند

نخست وزیر یعنی چه ؟

چند روز قبل در یکی از نوشته هایم چند کلمه ایرانی مانند ویژه، واژه ، واکنش و غیره را منحوس قلمداد کرده بودم. هم وطن محترمی بنام غلام حضرت خان از سویدن در دریچه نظر خواهی مرا متوجه اشتباهم ساخت که از تذکار و تنویر دوستانه شان متشکرم.

برخوردار غلام حضرت خان ! به ارتباط پاراگراف دوم تان باید به عرض برسانم که جناب شما میان دو نوع رقص یعنی « چوب بازی » که مربوط به عنعنات و شؤون مذهبی اهل هنود است و اتن ملی و به اصطلاح شما « اتن اوغانی » که به کلتور و عنعنات مردم ما ارتباط میگیرد و صبغه و کیفیت تهییج بزمی و رزمی دارد دچار مغالطه شده اید. به هر صورت من به ارتباط مسائل و موضوعات ملی و وطنی در ارایه نظریات خود به زعم شما معتقد به چوب بازی نبوده بلکه به اصالت منطقه و تبادل ادله با در نظر داشت اصل انصاف، عدالت و دوری از انگیزهای حب و بغض شخصی و اتکاء به حقایق میباشد نه سفسطه، مغالطه و ابتذال . ثانیاً نشر صرف یک مضمون را نمی توان ولو معنون به مخاطبی باشد به زعم شما چوب بازی قلمداد کرد. دلیل مبرهن همانا مجموعه مقالات و منظومه های من در ارشیف وزین این وب سایت است که با در نظر داشت پرنسپ ارجحیت منافع ملی تحریر شده نه رجحان و زیدخل ساختن تمایلات عندی و انفسی . اینکه اشتباهاً مقام دولتی یک شخص را در یک دوره معیین، وزارت حریبه نوشته ام ضعف حافظه است نه تعمد . ولی ارتکاب جرم و گناه در هر مقامی که باشد « اول ، دوم و یا سوم » به هیچوجه من الوجوه موجب سلب مسئولیت ملی و وجدانی نمی گردد .

به خاطر دارم استاد بزرگوارم پوهاند فضل ربی پژواک اولین رئیس انتخابی پوهنتون که یکی از شخصیت های نادر و بی همتای ملی بود در دوره حکومت سردار نور احمد اعتمادی، برنده مدال لینن در یک بیانیه خود در محضر تمام محصلین پوهنتون گفت که : « حکومت میخواهد از من شاه شجاع بسازد ولی من پژواکم نه شاه شجاع » و از مقام ریاست پوهنتون ولو انتخابی هم بود استعفاء داد . احسنت .

هم وطن عزیز! در مورد نظر و توضیح پاراگراف آخری شما مبنی بر چشمگیر بودن رژیم کودتایی سردار صاحب به تناسب دوره دهه دیمکراسی تحت رهنمایی شاه باید خدمت تان به عرض برسانم که اگر مسایل مملکتی به این سادگی قابل حل میبود که با ارایه نظر خود در یک جمله ماهیت صحت و سقم واقعیت های ملی و سیاسی و تاریخی کشور خود را تغییر داده میتوانستیم دیگر ضرورت به تصادم افکار و ایدیالوژی ها و به زعم شما چوب بازی نمیبود . متأسفانه احکام جزمی مانند صدور فتوای ارباب مذاهب، نمیتواند ماهیت مسایل را تغییر بدهد . تایید یا تکذیب یک نظام و یا یک رژیم متکی است به طرز تفکر سیاسی و ایدیالوژیک افراد جامعه. با تاکید برتری رژیم کودتایی سردار صاحب ، استنباط من از طرز دید سیاسی تان این است که شما حامی سیستم یک حزبی « که به جز در کشورهای مارکسیست و فاشیستی » نظیر ندارد میباشد . باید خاطر نشان ساخت که بدون شک قانون اساسی یک کشور زیر بنای حیات سیاسی یک جامعه است . نظام های دارای قانون اساسی یک حزبی ممثل حاکمیت مطلق و بدون چون و چرای یک گروپ بر سر اقتدار بوده ، موجودیت اپوزسیون را در پرنسپ نفی میکنند که در واقعیت امر موجب سلب حقوق سیاسی اکثریت جامعه « حاکمیت ملی » میگردد.

به این ارتباط از دانشمند عالی مرتبت حقوق جناب داکتر صاحب روستار تره کی خاضعانه التجا مینمایم که در زمینه روشنی اکادمیک لطف نموده تنویر فرمایند .

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بڼي پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په خیر و لولۍ

هموطن عزیز غلام حضرت خان از اینکه بنابر غباوت و کهولت تا هنوز تخنیک ابراز نظر و دیالوگ را در درجه نظر خواهی یاد نگرفته ام از تأخیر این معروضه معذرت می‌خواهم. اکنون برمیگردیم به توضیح کلمه نخست وزیر که مطبوعات ایران آن را برای مقام، آنچه را که ما در وطن خود صدراعظم می‌گوییم انتخاب کرده اند. استعمال کلمه صدراعظم در وطن و زبان های ما ریشه قدیمی داشته، کاملاً افغان شمول بوده و در سراسر کشور، مردم چه از خواص تا عوام با این نام آشنایی داشته و آن را استعمال میکنند، استثناء در زمینه یک عده نشرات اجبر و مزدور و گماشته شده و بی کلتور و فاقد غرور و وجدان ملی است که به عوض اصطلاحات مروج، معمول، مقبول و پذیرفته شده وطنی تعمداً به توریید و ترویج اصطلاحات نامأنوس ایرانی منجمله نخست وزیر می‌پردازند. چون کلمه نخست با کلمه «اول» مغایرالفظ متحدالمعنی است پس منطقیاً اگر «اول وزیر» هم گفته شود نباید نادرست باشد. و کذا میتوان معاونین اول و دوم را «دوم وزیر» و «سوم وزیر» خطاب کرد.

اینکه مطبوعات و مردم ایران هر اصطلاح و هر عنوانی را مانند کلمه خنده آور «باد بزن» و امثلهم را در وطن خود ترویج میکنند و یا به توصیه و فرمایش شیخ سعیدی که می‌گوید «چو باد اندر شکم پیچد فروهل» عمل میکنند کار خودشان است، اما تقلید کور کورانه این اصطلاحات و احیناً عمل کردن به توصیه طبی شیخ شیراز، از طرف هم وطنان ما، بی اعتنایی و کم بهاء دادن به کلتور، ثقافت و غیرت افغانی است که موجب استخفاف و شرمساری ابدی میگردد. جای تأسف است که به تقلید کور کورانه ایران در کشور ما کلمه نخست وزیر را در زبان ملی افغانی پشتو به «لمری وزیر» هم ترجمه کرده اند که کار نهایت نا معقول و احمقانه است. اساساً اگر بیطرفانه قضاوت شود بهترین نام، نامی است که عرب ها برای صدراعظم انتخاب کرده اند که عبارت از رئیس الوزراء میباشد.

با استقرار حکومت ضد ملی و مزدور هفت گانه و هشت گانه به اصطلاح جهادی مخلوق پاکستان به رهبری ضیاءالحق، لعنت اله علیه و دولت فاسد ایران به رهبری آخوند های فاشیست و نا مسلمان، تهاجم فرهنگی ایران در کشور آغاز گردید و جواسیسی چون چنگیز پهلوان، مشی پالیسی ایران پرستی را در دوره حکومت شیطانی بچه سقو ثانی، فاتح افشار احمد شاه مسعود - ربانی را در کشور رهبری میکرد و عناصری چون سید مخدوم رهین در تداوم آن در چوکات حکومت دست نشانده سی آی ای و جیره خور ایران، حامد کرزی، وفاداری خود را به دولت فاشیستی ایران ثابت ساخت. ناگفته نماند که سید مخدوم رهین در دوره رژیم کودتایی نیز با سید عبدالاله روابط نزدیک داشت و عضویت هئیت تسوید قانون اساسی را حاصل نموده بود. به هر صورت من شخصاً از جیره خوران چون حامد کرزی و رهین و فرهادی و امثال و اقران و هم کیشان و هم مسلکان شان گلایه ندارم، زیرا همچو عناصر بی پرستی و فاقد وجدان و شرافت ملی وظایف محوله و سپرده شان را به حیث مزدور اجراء نموده اند، گلایه، شکوه و ناله و فریاد من از دست عناصر معتقد به اصالت ملی و تاریخ افتخار آفرین کشور ماست که به صورت غیر شعوری در ترویج کلمات و اصطلاحات نامأنوس ایرانی در لسان دری افغانی مبادرت می‌ورزند و انگبین خالص افغانی را با مخلوط نمودن حنظل ایرانی، زهر آلود میسازند، شاهد زنده مدعای من مقالات و مضامین منتشره از طرف عناصر بی اعتنا به اصالت کلتور ملی در همین وبسایت وزین میباشد.

بیزق خود را به فرزندش مده

بوربای خود به قالینش مده

خوشبختانه یک عده هموطنان مؤمن و مؤتمن و معتقد به اصالت ثقافتی زبان های وطنی به مبارزه و جهاد اکبر مقدس ملی خود در زمینه ادامه داده که بطور مثال اسماء مبارک یک عده نوات مذکور قرار ذیل است: محترمه میرمن ملالی نظام، محترم استاد معروفی، محترم ولی نوری، محترم قیس کبیر، محترم داکتر سید خلیل ها شمیان محترم سراج وهاج، محترم فارانی و یک عده نوات محترم دیگر که بدبختانه اسماء شان فراموش شده و در زمینه از ایشان طلب بخشایش میکنم. در قسمت اخیر می خواهم یک پاراگراف نوشته دانشمند، مبارز و شخصیت وطندوست جناب استاد وهاب زاده فریار را که تقریباً پانزده سال قبل در مجله انقلابی آیین افغانستان به ارتباط همین مسأله تحت عنوان مرتدان ملی به نشر رسیده بود ذیلاً خدمت قاریین گرام به عرض میرسانم:

د پانو شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنیزی بڼې پاروالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو لمخې په څیر و لولئ

مرتدان ملی، گروه فرهنگ فروش و دین فروش و آیین فروش اند ، کار یک عده از این مردم فرهنگ فروش که بیشتر در پروگرام های رادیویی و تلویزیونی و نشرات اخباری افغانی بخصوص در پروگرام های پشتو و دری بی بی سی لندن خود را چسپانده اند، این است که اینها همیشه کلمات نامانوس ایرانی را میخواهند مانند پینه سر زانو ، بر زانوی زیبای زبان دری افغانستان پیوند بزنند، مثال ها از این قرار اند: زمین لرزه بجای زلزله- ویراستار و پیراستار بجای مهمتم – واژه بجای لغت – مرز بجای سرحد – رد مرز بجای خروج از سرحد – برنامه بجای پروگرام – شلوغ بجای ازدحام – ارتش بجای عسکر – دانشگاه بجای پوهنتون – دانشکده بجای پوهنځی یا فاکولته – دایي بجای ماما – مرسی بجای تشکر – چالش بجای مشکل و از لحاظ تلفظ نون بجای نان – دوکون بجای دوکان – بولند بجای بلند و صد های دیگر . شاعری ، نغز گفته است :

دوکان در ایران دوکون شود

زبان در ایران زبون شود

ختم

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په ځير و لولئ